پنج سکانس از خیانت و جنایت

ماجرای سینا، ماجرای خیانت و جنایت است. خیانت او به همسرش و ارتباطش با زن تنها، پایانی تلخ و مرگبار را رقم زد. زن جوان در خانه‌اش با ضربه‌های چاقو کشته شد و سینا به اتهام قتل در یک قدمی چوبه دار قرار گرفته است.



عکس تزئینی است

۱ سکانس اول

عصر یک روز گرم تابستانی سال ۱۴۰۰ زن میانسالی وارد یکی از کلانتری‌های پایتخت شد.

او دل‌نگران دخترش بود و سراغ افسر نگهبان را می‌گرفت. وقتی مقابل افسر کلانتری نشست در شکایت خود گفت: جناب سروان کمکم کنید. چند روزی است از دخترم مهلا خبری ندارم. او عادت داشت هر وقت از خانه بیرون می‌رفت به من خبر بدهد اما چند روز است به تلفن جواب نمی‌دهد. امروز به خانه‌اش حوالی میدان امام حسین(ع) رفتم، ولی هرچه در زدم جواب نداد. می‌ترسم بلایی سر دخترم آمده باشد.

افسر جوان پس از ثبت این شکایت با قاضی جنایی تماس گرفت و موضوع را اطلاع داد. بازپرس هم با طرح احتمال قتل، دستور ورود به خانه مهلا را صادر کرد. حوالی غروب، ماموران همراه مادر مهلا و کلیدساز راهی خانه او شدند. وقتی در خانه باز شد، مادر با دیدن جسد غرق در خون دخترش از هوش رفت.

۲ سکانس دوم

با کشف جسد زن جوان، تیمی از ماموران اداره آگاهی همراه بازپرس جنایی و تیم تشخیص هویت، خودرا به خانه مهلا رساندند تا راز این جنایت را فاش کنند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد، زن جوان با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و چند روزی از مرگش می‌گذرد. هیچ آثاری از ورود به زور روی در نبود و قاتلی آشنا وارد خانه شده و این زن را به قتل رسانده بود.

سرقت نشدن وسایل باارزش خانه و طلاهای مقتول، احتمال قتل با انگیزه انتقامجویی را مطرح کرد. ماموران سپس سراغ همسایه‌ها رفتند و از آنها تحقیق کردند اما کسی متوجه درگیری قاتل و مقتول نشده بود.

تحقیقات در صحنه جنایت که تمام شد، بازپرس دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کرد تا علت اصلی مرگ مشخص شود.

۳ سکانس سوم

کارآگاهان برای رازگشایی از این جنایت، به بررسی تماس‌های مقتول پرداختند و متوجه شدند او مدتی قبل از مرگش با مردی متاهل به نام سینا در تماس بوده است. مهلا آخرین بار هم با سینا تماس گرفته بود.

با کشف این سرنخ، سینا به عنوان مظنون اصلی قتل تحت تعقیب قرار گرفت و شناسایی و دستگیر شد. او ابتدا منکر قتل مهلا بود اما در ادامه وقتی دلایل پلیسی را علیه خود دید، لب به اعتراف گشود و گفت: روز حادثه به خانه مهلا رفته بودم که آنجا با هم درگیر شدیم و او را کشتم. بعد هم از محل گریختم. پس از تکمیل تحقیقات در دادسرای جنایی و بازسازی صحنه قتل، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم به قتل، پای میز محاکمه قرار گرفت.

۴ سکانس چهار

در جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری، ابتدا کیفرخواست متهم قرائت شد. سپس اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و درخواست قصاص قاتل را مطرح کردند.

رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به سینا از او خواست از خود دفاع کند، مرد جوان گفت: من متاهل بودم و ارتباط خوبی با همسرم نداشتم. به همین خاطر با مهلا آشنا شدم. در این مدت چند بار همدیگر را دیدیم و بیرون می‌رفتیم. آخرین بار به خانه‌اش رفتم و با او رابطه برقرار کردم. بعد از آن قصد داشتم از خانه بیرون بروم که مهلا دعوا راه انداخت و تهدید کرد موضوع را به همسرم می‌گوید. خیلی ترسیده بودم . او فریاد می‌زد و احتمال داشت همسایه‌ها باخبر شوند. ترسیدم و با چاقو چند ضربه به او زدم و فرار کردم. بعد از دستگیری متوجه شدم پزشکی قانونی اعلام کرده ضربات زیادی به قسمت‌های مختلف بدن مهلا زده شده که این موضوع را قبول ندارم. شاید او زنده مانده و بعد از من، مرد دیگری وارد خانه شده و او را کشته باشد.

رئیس دادگاه در ادامه به اعترافات قبلی متهم اشاره کرد که او مدعی شد، این اعترافات تحت فشار بازجویی بوده است.

۵ سکانس پایانی

قضات دادگاه جلسه دادگاه را تجدید کرده و به تحقیق دوباره درباره ادعای متهم پرداخت که پزشکی قانونی در استعلام دادگاه اصابت ضربه‌های متعدد به بدن این زن را علت مرگ او اعلام کرد. به این ترتیب، متهم دوباره در دادگاه از خود دفاع کرد و با انکار قتل گفت: وقتی با مهلا درگیر شدم، از روی میز یک کارد میوه‌خوری برداشتم و فقط دو ضربه به کتف و دست او زدم. ضربه‌ها عمیق و کشنده نبود. من نمی‌دانم بعد از این که خانه را ترک کردم چه بلایی سر مهلا آمده و چه کسی به آنجا رفته است. من مهلا را نکشتم و اتهام قتل را قبول ندارم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

مرد جوان تصور نمی‌کرد خیانت به همسرش و رابطه با زن تنها باعث شده دستش به خون آغشته و به‌عنوان قاتل راهی زندان شود

دام سیاه برای رانندگان زن

اعتماد رانندگان زن به مرد موتورسوار، سرنوشت شومی را برای آنها رقم می زد. مرد شیطان صفت با اینکه با مجازات مرگ رو به رو شده اما کابوس آزارهای او از ذهن قربانیان پاک نمی شود.

سه سال از دستگیری این متهم می گذرد. تحقیقات پلیسی در این رابطه با شکایت سریالی رانندگان زن از مرد موتورسواری آغاز شد. بررسی‌های پلیسی نشان داد، قربانیان، رانندگانی بودند که به‌تازگی ماشین خریده بودند. آنها هنگام رانندگی در بزرگراه‌های تهران با اخطار جوان موتورسواری درباره آتش گرفتن خودرو روبه‌رو شده و بعد در حاشیه بزرگراه توقف کرده بودند. بعد از پایین آمدن از خودرو پسر موتورسوار به آنها حمله کرده و نقشه شیطانی‌اش را اجرا کرده بود.

یکی از شکات در تحقیقات گفت: «من با خانواده‌ام زندگی می‌کنم و مجرد هستم. مدتی قبل یک ماشین شخصی خریدم و با ماشین به محل کارم رفت‌وآمد می‌کردم، چهار روز مانده به پایان سال ۹۸ داشتم از محل کارم برمی‌گشتم و اتوبان همت هم خیلی شلوغ بود. موتورسواری به من نزدیک شد و گفت ماشینم دود می‌کند و آتش گرفته است. خیلی ترسیدم. مرد موتورسوار با هدایت دست، من را به سمت گاردریل کشاند تا کمک کند، وقتی به گوشه آمدم، به من گفت که از ماشین پیاده شوم و به فضای سبز بروم، چون ممکن است ماشین منفجر شود، بعد به من نزدیک شد و مورد آزار و اذیت قرار داد. خودم را به‌زور به کلانتری رساندم و بعد هم به پزشکی قانونی فرستاده شدم که تعرض به من مورد تأیید قرار گرفت.»

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که یکی از قربانیان توانست از دست او فرار کند و با کمک راننده‌های عبوری متهم را دستگیر کند.

در ادامه تحقیقات مشخص شد متهم به هفت زن با همین روش تعرض کرده است. وقتی وی مورد بازجویی قرار گرفت به تعرض به زنان اعتراف کرد و شاکی‌ها در مواجهه حضوری او را شناسایی کردند. پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی شکات به تشریح جنایت سیاه متهم پرداختند اما او منکر اتهامش شد. پس از بررسی پرونده، قضات وارد شور شده و حکم به اعدام متهم دادند.

هشدار

رانندگان زن زمانی که به تنهایی در حال رانندگی هستند باید مراقب شگردهای رانندگان برای سرقت و اخاذی باشند. این افراد با شناسایی رانندگان خودروهای مدل بالا با ایجاد تصادف ساختگی خودرو را متوقف کرده و از رانندگان زن اخاذی کرده یا خودرویشان را به سرقت می برند. گاهی نیز مانند این متهم نقشه شیطانی را اجرا می کنند. برای اینکه در دام این مجرمان گرفتار نشوید در صورت مشاهده موارد مشکوک به هیچ عنوان از خودرو پیاده نشده و درها را قفل کرده و با پلیس تماس بگیرید. همچنین با مشاهده ماموران به سمت آنها رفته و کمک بگیرید.